



دکتر محرم آقازاده
دکتر حیدر تورانی

آنچه مدیران مدارس باید از برنامه‌درسی بدانند!

اشاره

در مدرسه برنامه‌ریزی درسی نمی‌کند. گرچه عبارت برنامه‌ریزی درسی داریم، اما به‌ندرت پیش می‌آید که یک برنامه‌ریز درسی در مدرسه به برنامه‌ریزی درسی بپردازد.

جست‌وجو برای یافتن معنای این کلمه معلمان زیادی را درگیر کرده است. هیونبر^۱ ابهام و صراحت نداشتن را به این کلمه منتسب کرده است. **الیزابت والانس** می‌گوید: «برنامه‌درسی مفهوم مشخصی نیست، چه به‌عنوان رشته‌ای علمی و چه رشته‌ای عملی». مرز مشخصی ندارد و گاهی مشابه داستان فیل در مثنوی مولاناست. به‌نظر بعضی گوش فیل به‌مثابه بادبزنی، پاها به منزله ستون و خرطوم، ناودان است.

ممکن است این حرف تکذیب شود اما واقعاً تا به حال کسی یک برنامه‌درسی ندیده است. موجودی واقعی، جامع، ملموس و مشهود که نامش برنامه‌درسی باشد وجود ندارد. شاید یک ناظر علاقه‌مند طرح نوشته شده‌ای به‌نام برنامه‌درسی را دیده باشد، اما همین ناظر فقط در حد شفاهی می‌داند در هر مدرسه‌ای که در آن معلم به شاگردان تدریس می‌کند، چیزی به‌نام برنامه‌درسی وجود دارد. طرح کتبی ناظر را راهنمایی می‌کند که چیزی به نام برنامه‌درسی وجود دارد، اما اگر معجزه‌ای پیش بیاید و بتوان سقف مدرسه را در یک جلسه برداشت و برش عرضی آن را بررسی کرد، برنامه‌ای درسی مشاهده نخواهیم کرد و فقط تعامل بین معلم و شاگرد را خواهیم دید که به آن آموزش می‌گوییم.

تفسیرهایی از برنامه‌درسی

ماهیت غیرشفاف کلمه برنامه‌درسی در طول سال‌ها سبب شده است تفسیرهای گوناگونی از این کلمه بشود. برخی تعریف‌های برنامه‌درسی عبارت‌اند از:

- چیزی است که در مدرسه یاد داده می‌شود.
- مجموعه‌ای از موضوعات است.
- محتواست.

اکنون که برنامه‌درسی ملی تدوین شده و کارشناسان با کوشش فراوان در حال تدوین برنامه‌های درسی موضوعی هستند، مطلوب است که مدیران مدارس و کارشناسان آموزشی با دایره وسیع‌تری به برنامه‌درسی نظر کنند و با تعریف‌های گوناگون از برنامه‌درسی و صورت‌های متفاوت آن آشنا شوند. ضرورت این امر از آن روست که در نظام‌های آموزشی سایر کشورها و از جمله کشور ایران، مدیران مدارس در مقام مجریان یا تسهیل‌کنندگان جریان اجرای برنامه‌درسی قلمداد می‌شوند. از سویی دیگر، مدیران مدارس، وظیفه پایش اجرای برنامه‌درسی و یادگیری را نیز به عهده دارند. این مقاله، به برنامه‌درسی و تعریف‌های آن و ارتباط آن با آموزش و نیز پایش اجرای برنامه‌درسی و یادگیری، و میزان موفقیت اجرای برنامه‌درسی در مدرسه پرداخته است.

برداشت‌هایی از برنامه‌درسی

ژیوس ژولیو سزار^۱ و گروه او در قرن اول میلادی نمی‌دانستند مسیر بیضی شکلی که ارباب‌های رُم روی آن مسابقه می‌دادند، کلمه‌ای را به ارث خواهد گذاشت که معلمان در قرن بیست‌ویک تقریباً هر روز از آن استفاده خواهند کرد. این مسیر که نامش curriculum بود، امروزه دغدغه مدارس است و معنای آن از مسیر مسابقه به مفهومی انتزاعی تغییر کرده است.

در دنیای آموزش و پرورش حرفه‌ای، کلمه curriculum معنایی ضمنی مبهم و تقریباً مرموز پیدا کرده است. این کلمه شاعرانه و خنثا هاله‌ای از رمز و راز با خود دارد. در مقابل، ابعاد دیگر آموزش و پرورش حرفه‌ای مثل اداره کردن، آموزش و نظارت کلمات قوی و حرکت‌محور هستند.

اداره کردن، عمل اداره کردن است؛ آموزش عمل آموختن است و نظارت عمل نظارت کردن است، اما برنامه‌درسی را چگونه عملی می‌توان محسوب کرد؟ در حالی که مدیران مدیریت می‌کنند، معلمان آموزش می‌دهند و ناظران نظارت می‌کنند، ولی هیچ‌کسی



را بدین گونه فهرست می‌کند:
تمام برنامه‌های درسی، فارغ از اینکه طرح خاص آن‌ها چه باشد، از عناصر مشخصی تشکیل شده‌اند:
تمام آن‌ها معمولاً شامل اهداف کلی و اهداف عینی هستند، نوعی گزینش یا سازمان‌دهی محتوا را نشان می‌دهند، تلویحاً یا آشکاراً (به‌خاطر اهداف یا سازمان‌دهی) الگوهای خاصی از یادگیری یا تدریس را به نمایش می‌گذارند و در نهایت، شامل برنامه ارزشیابی بازده هستند.

رونالد دال برنامه درسی مدرسه را این گونه تعریف می‌کند:
... محتوای رسمی و غیررسمی و فرایندی که در طول آن شاگردان دانش و فهم خود را بالا می‌برند، مهارت خود را افزایش می‌دهند، رفتار، قدردانی و ارزش‌های خود را با توجه مدرسه تغییر می‌دهند.

دنیل تانر^۱ و لورل تانر^۲ این تعریف را ارائه می‌دهند:
نویسندگان، برنامه درسی را بازساخت دانش و تجربه می‌دانند که به شاگرد این توانایی را می‌دهد که تجربه و دانش بعدی را هوشمندانه کنترل کند.

اولیور برنامه درسی را با برنامه آموزشی و پرورشی یکی می‌داند و آن را به چهار عامل اصلی تقسیم می‌کند:

۱. برنامه تحصیلی
۲. برنامه تجربیات
۳. برنامه خدمات
۴. برنامه درسی پنهان

برنامه‌های تحصیلی، تجربیات و خدمات، معلوم و مشخص هستند. اولیور مفهوم برنامه درسی پنهان را به این عناصر افزوده است که شامل ارزش‌هایی می‌شود که در مدرسه ایجاد می‌شوند، تأکیدی که معلمان در مورد یک درس دارند و نیز درجه اشتیاق معلمان و فضای فیزیکی و اجتماعی مدرسه.

جانسون در تعریف خود که می‌گوید «برنامه درسی مجموعه‌ای است ساختارمند از بازده‌های یادگیری دلخواه»، در اصول با گانیه، از نظریه پردازان برنامه درسی، توافق دارد. جانسون برنامه درسی را «برون‌داد نظام برنامه‌ریزی درسی» و «درون‌داد نظام آموزشی» می‌داند.

پاینار^۳، رینولد^۴، اسلتری^۵ و تابمن^۶ ضمن فاصله گرفتن از تعریف برنامه درسی به‌عنوان «مواد آموزشی مدرسه»، برنامه درسی را باز نمود نمادین می‌نامند. آن‌ها می‌گویند:

برنامه درسی به رویه‌ها، ساختارها، تصاویر و تجربیات سازمانی و پراکنده‌ای گفته می‌شود که می‌تواند به شیوه‌های گوناگون مثلاً از لحاظ سیاسی، نژادی، زیست‌نگاری، پدیدارشناسی، الهیات، بین‌المللی و از نظر جنسیت و ضدساختار شناسایی و تحلیل شود.

تعریف‌ها براساس مقصود، زمینه و راهبردها

تفاوت در تعریف‌های برنامه درسی به اندازه تفاوت‌هایی که نظریه پردازان در برداشت خود از این عبارت دارند زیاد و معمول نیست. برخی نظریه پردازان درباره تعریف خود توضیح بیشتری داده‌اند. بعضی‌ها دو عامل برنامه درسی و آموزش را ترکیب می‌کنند و برخی دیگر تعریف برنامه درسی را چنین می‌دانند: «مقصود و

- برنامه تحصیلی است.
- مجموعه‌ای از مواد آموزشی است.
- توالی دروس است.
- مجموعه‌ای از اهداف عملکردی است.
- رشته‌ای تحصیلی است.
- تمام آن چیزی است که در مدرسه اتفاق می‌افتد؛ از جمله فعالیت خارج از کلاس، راهنمایی و روابط اجتماعی.

● چیزی است که داخل و بیرون مدرسه تحت نظارت مدرسه آموزش داده می‌شود.

● تمام چیزهایی است که کارکنان مدرسه برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند

- تجربیاتی است که شاگردان در مدرسه کسب می‌کنند.
- تجربه‌ای است که شاگرد در نتیجه تحصیل کسب می‌کند.

در این تعریف‌ها برنامه درسی را می‌توانیم به شیوه جزئی (درسی که آموزش داده می‌شود)، یا به شیوه کلی‌تر (کلیه تجربیاتی که شاگردان چه در مدرسه و چه خارج از آن با نظارت مدرسه کسب می‌کنند بنگریم. با برداشت‌های متفاوتی که در مورد برنامه درسی وجود دارد، معنایی ضمنی که از مدرسه به ذهن‌خطور می‌کند نیز به‌طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. مدرسه‌ای که برنامه درسی را به‌عنوان یک درس می‌پذیرد، کار راحت‌تری پیش‌رو دارد.

زمانی که متخصصان آموزش و پرورش برنامه درسی را تعریف می‌کنند، تفاوت‌های ظریفی به چشم می‌آید. مثلاً **کارتر گود** در «دیکشنری آموزش و پرورش» برنامه درسی را این گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای نظام‌دار از دروس با توالی دروس که برای فارغ‌التحصیلی یا اخذ گواهی در رشته‌هایی مانند مطالعات اجتماعی، برنامه درسی، برنامه درسی تربیت‌بدنی و... ضروری است». اجازه بدهید ببینیم سایر نویسندگان چگونه این عبارت را تعریف می‌کنند. **فرانکلین باییت^۳** که یکی از نویسندگان پیشرو در این امر است می‌گوید: «برنامه درسی مجموعه مواردی است که بچه‌ها و جوانان با توسعه توانایی‌های خود باید انجام دهند و تجربه کنند تا رفتار در دوران جوانی را یاد بگیرند و در تمام زمینه‌ها همان گونه باشند که هر فرد جوان باید باشد». **کاسول^۴** و **کامپبل^۵** برنامه درسی را مجموعه‌ای از دروس نمی‌دانند بلکه آن را «تمام تجربه‌هایی می‌دانند که بچه‌ها با راهنمایی معلمان کسب می‌کنند». **سیلور، الکساندر و لوئیس** هم این تعریف را ارائه داده‌اند: «ما برنامه درسی را فراهم کردن موقعیت‌های یادگیری برای کسانی که قرار است تحصیل کنند، می‌دانیم».

تعریف‌های متخصصان یاد شده مشابه تعریفی است که **هیلدا تابا** در بحث مربوط به ملاک‌های فراهم کردن فرصت‌های یادگیری برای توسعه برنامه درسی مطرح می‌کند. او می‌گوید: «برنامه درسی طرحی برای یادگیری است. او عناصر برنامه درسی

هدف کلی برنامه درسی»، «زمینه‌ای که برنامه درسی در آن یافت می‌شود» و «راهبردهای استفاده شده در برنامه درسی».

مقصود

آن‌گاه که نظریه پردازان معنای برنامه درسی را خارج از زمینه برنامه درسی جست‌وجو می‌کنند، تلاش‌ها بی‌نتیجه می‌ماند. به‌ویژه آنکه اگر برنامه درسی براساس کاری که می‌تواند انجام دهد تعریف شود، بر میزان ابهام‌ها افزوده می‌شود. وقتی گفته می‌شود برنامه درسی عبارت است از «پرورش تفکر منطقی» یا انتقال میراث فرهنگی، هدف برنامه درسی در این میان گم می‌شود. برای تصریح هدف برنامه درسی می‌توان گفت هدف برنامه درسی عبارت است از: انتقال میراث فرهنگی یا مهارت‌های تفکر انتقادی در یادگیرنده.

صحبت در مورد اینکه برنامه درسی در پی به‌دست آوردن چیست، به ما کمک نمی‌کند بتوانیم معنای آن را بفهمیم.

زمینه

تعریف برنامه درسی گاهی شامل موقعیتی که برنامه در آن اجرا می‌شود نیز هست. وقتی نظریه پردازان «ز برنامه درسی اساس‌گرا»^{۱۱}، برنامه درسی کودک‌محور، یا برنامه درسی بازسازی‌گرا^{۱۲} صحبت می‌کنند، هم‌زمان به دو خصوصیت برنامه درسی اشاره می‌کنند. به‌طور مثال، هدف از برنامه درسی اساس‌گرا انتقال میراث فرهنگی به کودکان مدرسه به شیوه‌ای سازمان‌دهی شده است که می‌کوشد دختران و پسران را برای آینده آماده کند. برنامه درسی کودک‌محور سمت‌وسوی خود را کاملاً مشخص می‌کند: «شاگرد» مرکز توجه اصلی مکتب فلسفی پیشرو است. این برنامه پیشرفت شاگردان در کلیه زمینه‌ها را در نظر دارد، اما طرح‌های این رشد در هر مدرسه متفاوت است. برنامه درسی مدرسه پیرو عقاید فلسفی بازسازی‌گرا آن است که جوانان را به گونه‌ای آموزش دهد که قادر باشند مشکلات مهم زندگی خود را حل کنند و جامعه بهتری بسازند. **مادلین گرومت**، در ضمن مباحث‌های فمینیستی می‌گوید: «مهم‌ترین چیز در زندگی مردان و زنانی که روی این کره زندگی می‌کنند، سهیم شدن در فرایند و تجربه بازتولید خودمان است». او با این تفکر که «مدارس مراکز آیینی هستند که از مکان‌های واقعی زندگی که در آن‌ها کار می‌کنیم و عشق می‌ورزیم به‌دورند»، برنامه درسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «برنامه درسی پروژه‌ای برای تعالی است؛ در واقع برنامه درسی کوششی است که در آن با پرداختن به زیست‌شناسی و ایدئولوژی، درصدد تعالی آن‌ها نیز برمی‌آییم».

راهبردها

در حالی که مقصود و زمینه، گاه تعریف‌های برنامه درسی معرفی می‌شوند، مشکل جایی افزون می‌شود که نظریه پردازان، برنامه درسی را با راهبرد آموزشی یکی بدانند. برخی نظریه پردازان متغیرهای آموزشی خاص مثل فرایندها، راهبردها و فنون را جدا می‌کنند و باقی‌مانده را برابر برنامه درسی می‌دانند. برنامه درسی به‌عنوان یک فرایند مسئله‌گشایی، شیوه علمی یا تفکر نقادانه. برای مثال، برنامه درسی به‌عنوان «زیست‌گروهی یا زندگی گروه»

می‌کوشد تعریفی از برنامه درسی بدهد که حول فنون آموزشی خاصی فراهم آمده است و زندگی با یکدیگر یا همزیستی را هدف قرار می‌دهد.

برنامه درسی به‌عنوان دانش فردی یا آموزش برنامه‌ریزی شده، در واقع مشخصات نظام‌هایی است که در آن‌ها شاگردان از طریق فرایند آموزش با محتوای برنامه درسی روبه‌رو می‌شوند. نه هدف، نه زمینه و نه راهبرد، هیچ‌کدام پایه‌ای قوی برای تعریف برنامه درسی فراهم نمی‌آورند. در طبقه‌بندی دیگر، برنامه درسی هدف یا هدف عینی نهایی تعریف می‌شود. **جیمز پوفام و اوا بیگر** برنامه درسی را هدف، و آموزش را وسیله طبقه‌بندی تعریف کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند: برنامه درسی بازده یادگیری طرح‌ریزی شده‌ای است که مدرسه مسئول آن است. طراحان برنامه درسی این بازده یا اهداف را به شیوه رفتاری یا عملیاتی درمی‌آورند.

اهداف عملیاتی یا رفتاری همان اهداف آموزشی هستند. طرفداران اهداف رفتاری اعتقاد دارند، مجموعه‌ای از اهداف رفتاری، برنامه‌ها و فعالیت‌های مدارس، برنامه درسی را شکل می‌دهند. بنابراین، برنامه درسی جمع کل اهداف آموزشی است. در این متن، شما با رویکردی مواجه هستید که اهداف برنامه درسی را از اهداف آموزشی تمیز می‌دهد.

برخی طرفداران اهداف عینی رفتاری با این عقیده موافق‌اند که وقتی اهداف غایی مشخص شوند، برنامه درسی تعریف شده است. از این نقطه به بعد است که آموزش وارد عمل می‌شود. این چشم‌انداز از برنامه درسی به‌عنوان تشخیص هدف کاملاً با مفهوم برنامه درسی به‌عنوان طرح یا برنامه یا توالی دروس فرق دارد.

در این متن، برنامه درسی طرح یا برنامه‌ای برای کلیه تجربیاتی است که شاگرد تحت نظارت مدرسه با آن روبه‌رو می‌شود. در عمل، برنامه درسی شامل تعدادی طرح، به‌صورت کتبی و با اهدافی متفاوت است که تجربیات یادگیری مورد نظر را تعیین می‌کند. بنابراین، برنامه درسی امکان دارد یک واحد یادگیری یا دسته‌ای از دروس باشد. این امکان نیز وجود دارد که فراگیری یادگیرنده از برنامه درسی نباشد و به‌جای آن بیرون از کلاس یا مدرسه و جایی تحت نظارت کارکنان مدرسه باشد.

پی‌نوشت

1. Gaius Jilius Caesar
2. Huebner
3. F. Bobbitt
4. Caswell
5. Campbell
6. D. Tanner
7. Pinar
8. Reynold
9. Slattery
10. Taubman
11. Essentialistic Curriculum
12. reconstructionist

منابع

۱. پلانو کلارک، کرسول، روش‌های پژوهش ترکیبی، ترجمه دکتر علیرضا کیامنش، دکتر جاوید سرابی (۱۳۹۰) تهران: آبیژ
۲. ابوالمعالی، خدیجه، پژوهش کیفی از نظریه تا عمل (۱۳۹۱)، تهران: علم
۳. لوی، الف، مبانی برنامه‌درسی، ترجمه دکتر فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴
4. Bobbit, John Franklin, The curriculum (2008), Houghton Mifflin.